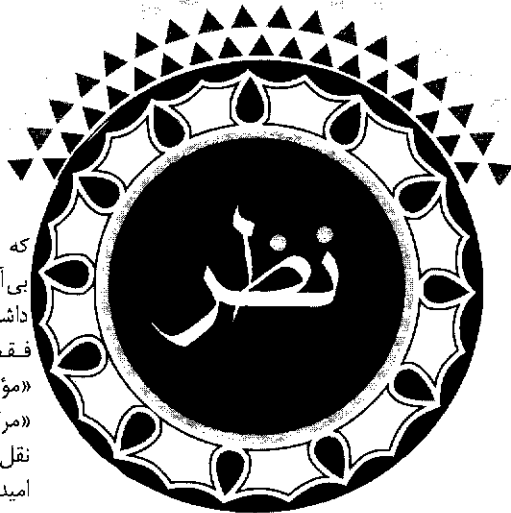


گفت و گو و مذاکره



ویلفرد کنتول اسمیت
ترجمه عبدالرحیم مروودشتی

اشاره: گرچه بسیاری از مشارکت کنندگان معاصر در گفت و گوهای بین دینی، کنت ول اسمیت را استاد و مربی صاحب نظر خود می دانند و او را ارج می نهند، لیکن خود اسمیت به دلایلی که هم اینک بیان خواهد شد ناقد تعبیر گفت و گو است. این تفکیک (میان گفت و گو و مذاکره) را اسمیت البته نه

برای نخستین بار در کنفرانسی که به منظور بزرگداشت پنجمین سالگرد «کنفرانسی بین المللی مبلغان دینی در تامبرام، هند، ۱۹۳۸» برگزار شد، صورت داد. آنچه در ذیل می آید، ماخوذ است از این منبع: **

International Review of Mission,
vol. LXXVII, no. 307, July 1988

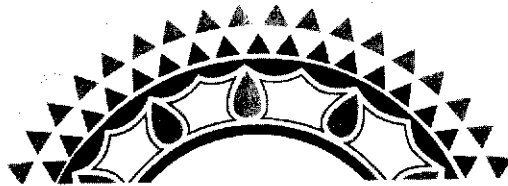
مقاله حاضر به همراه برخی دیگر از مقالات مرتبط با مقوله گفت و گوی بین الادیانی، در قالب کتابی از سوی مؤسسه گفت و گوی ادیان، در دست ترجمه و انتشار است.

درنگها و تردیدهای من نسبت به «گفت و گو» به عنوان یک واژه، به این درک من مربوط می شود که [فکر می کنم] این تعبیر تصویرگر، یا به هر تقدیر، شدیداً تاکیدکننده انگاره ای از یک معارضه و رویارویی^۱ است: برخورد^۲ و مواجهه ای میان دو دسته: [یا بگوییم] یک جهت گیری «ما آنها»-یی یا در بهترین حالت، «ما شما»-یی. البته دیگران ممکن است مثل من گمان نکنند که این واژه دلالت بر چنین تقابلی^۳، یا دوگانگی ای دارد. اما برای من، این واژه به نحو گریزناپذیری حکایت از دو گروه دارد که جمع شده اند تا با هم حرف^۴ بزنند و در عین حال، همچنان متمایز و «دو» گروه باقی بمانند. به یک دلیل، انگاره «دو» نارساست؛ گفت و گوی سه سویه^۵ [میان سه تن / گروه] در اسپانیای قرون وسطی بی اندازه سودمند و پربار بود (نه گفت و گو میان دو طایفه و جماعت، بلکه میان مسلمانان، یهودیان و مسلمانان)؛ یا بگوییم گفت و گوی چهارسویه^۶، میان آن سه که نام بردیم به اضافه فیلسوفان. (به عنوان نمونه، الهیات مسیحی یا می توان گفت، راست آیینی مسیحی، هم کاتولیک و هم پروتستان عمدتاً به خاطر آن تبدلات^۷، همواره چنان بوده است که هست.) به همین ترتیب، گفت و گوی امروز یهودیان مسیحیان هرگاه که بدون حضور پای سوم گفت و گو، یعنی مسلمانان صورت گیرد، به ناگزیر دچار کژوی، و نیز واجد پیامدهایی سیاسی است که بالقوه مصیبت بارند. چندان اطمینان ندارم که امروزه کار مجاز، یا خردمندانه ای باشد

که مسیحیان و یهودیان رسماً گرد هم آیند بی آنکه مسلمانان در این میان حضور و مشارکتی داشته باشند. اما حتی گفت و گوی سه سویه هم فقط اقدامی مقدماتی است. من اساساً از «مؤسسه پژوهشهای اسلامی»^۸ در مک گیل^۹ به «مرکز پژوهش در باب ادیان جهان»^{۱۰} در هاروارد نقل مکان کردم چون به نقطه ای رسیده بودم که امید داشتم زمینه ای چندجانبه را برای اندیشیدن و تعلیم خود فراهم سازم. ضمن مشارکت در فعالیتهای مؤسسه مک گیل چیزهای زیادی درباره مسائل اسلامی و از این طریق، چیزهای زیادی درباره انسان و خدا آموخته بودم. با این حال، می رفتم یا بهتر بگویم، آنچه می آموختم مرا می برد تا به ساحتی فراتر از تمرکز بر فهم یک جنبش بزرگ معنوی، جنبش اسلامی، یا نه؛ می رفتم تا ادیان را به نحو عامتر، بهتر بشناسم؛ دین خود را و دین مردمان دیگر را، و از آن جمله دین یاران و رفقای مسیحی ام را. در مرکز هاروارد، ما گروهی از اندیشمندان بودیم با سوابق دینی متفاوت که می کوشیدیم مشترکاً هم درباره تاریخ دینی جهان، چه با جزئیات مشخص و چه به نحو عام، و هم درباره انسان چیزهای بیشتری فراگیریم و نیز درباره آنچه غرب آن را دین نامیده است، بسان امری که گویا واقعیت انسانی تقریباً جهانی، و به طرز شگفت آور و چشمگیری متنوع است. تدریجاً متوجه شدم که از بودن در مقام مورخ به بودن در مقام یک الهیدان (نیز) روانه می شوم؛ یا اگر این سخن، خیلی پر مدعایی باشد، می گویم به این نکته پی بردم که الهیات را هم می توان به نحو چندجانبه، با تشریک مساعی و همکاری با دیگران، و در پرتو نحوه رابطه خدا با انبای بشر در این جهان، بهتر و در واقع در روزگار ما فقط از همین طریقی که گفتم دنبال کرد.

مساله دیگر در باب «گفت و گو» به مثابه یک مفهوم این است که این مفهوم مستعد است که تفاوت های موجود در آنچه را که از سر حُسن تعبیر، جوامع دینی^{۱۱} خوانده می شود، دست کم بگیرد و ناچیز شمارد. هرچند هیچ کس تصور نمی کند که مسیحیان گروه یکپارچه و منسجمی را تشکیل می دهند، ولی مفهوم گفت و گو چنین چیزی را به ذهن متبادر می سازد گرچه موقعیت گفت و گو در عمل ممکن است بی پایه بودن این ذهنیت چزند، و به لحاظ الهیاتی آشفته و مشوب، را برملا کند. واقعیت این است که و باز هم تاکید دارم که این واقعیات مهمند باری، واقعیت این است که گاه می بینی قرابت، مثلاً میان برخی مسیحیان و برخی مسلمانان، یا [میان برخی مسیحیان و





2. encounter
3. dichotomy
4. converse
5. Trilogue
6. Tetralogue
7. Interchanges
8. Institute of Islamic Studies
9. Mc Gill
10. Center for the Study of World Religions
11. Religious communities
12. Falwell
13. Rajputana
14. divine providence
15. synchronic
16. diachronic
17. "Christian: noun or a. adjective"
18. empirical
19. Transcendent
20. Christ-like

کنید که هر مسیحی اسمی، مسیح گونه نیست. هر یک از ما ممکن است به نحو زومراتبی مسیحی باشیم (کمتر مسیحی یا بیشتر مسیحی)؛ یا [مثلاً] در بعد از ظهر سه شنبه مسیحی تر باشیم تا صبح دوشنبه. چه بسا جماعت مسیحی یک شهر در سلوک و کردار مسیحی نباشند. (بیروت به ذهن متبادر می شود. آنچه را در ۱۹۷۷ در آنجا دیدم باید با خود به گور ببرم: مسلسلهایی که با تصویری از مریم عذرا تزئین شده بودند. فی الواقع باید گفت: «مسللهای مسیحی!») در داشتن حد اعلای وفاداری به مسیحیت [در معنای] تجربی، یا به گروه دنیوی بسته ای متشکل از یارانی مسیحی، بیم توهین به مقدسات می رود.

تا جایی که «گفت و گو» به فرد فرد مسیحیان کمک کند که به لحاظ فراتجربی مسیحی تر شوند، بسیار عالی است. شک نیست که در دوران جدید آدمی به دشواری می تواند مسیحی شایسته ای باشد مگر اینکه برانبوهی از بدفهمی ها، سوء تعبیرها، سوء نیاتی که میراث ما را ضایع و آینده ما را تهدید می کنند فائق آید. تا جایی که «گفت و گو» به افزایش شمار مسیحیان اسمی مدد رساند که از این طریق به مسیحیانی صادق تر و واقعی تر تبدیل می شوند، بسیار عالی است. با این همه، هدف اذعان شده از گفت و گو مسلماً نباید گفت و گو به معنای رویایی دو گروهی باشد که به نحوی رقیب و مخالف یکدیگرند، چنان که مذاکره افراد با هم این گونه است: افرادی که بی شک با هم فرق دارند و نهایتاً همه افراد با هم فرق دارند بدین معنا که از کشورهای متفاوتی می آیند، به زبانهای متفاوتی تکلم می کنند، علایق و عادات و ظرفیتهای متفاوتی دارند، جنسیتهایشان متفاوت است، و نشان و طبع و مزاجشان، و داراییهایشان نیز، و هر یک سنتهای دینی متفاوتی را به ارث برده اند. وجه مشترک آنان این است که همگی انسانند، همگی در جهان غامض و طاقت شکن و هم بسته جدید زندگی می کنند، و همگی به خاطر انسان بودن، بالقوه یا بالفعل در دل بستگی و پابندی شان به حقیقت یا به هر آن کس یا هر آن چیز که موحدان خدا می نامندش، صادقند. همه آنان، در مراتب گوناگونی از التفات و اجابت، در محضر خدا زندگی می کنند.

پانوشتها:

* "Dialogue and Colloquy"

Wilfred Cantwell Smith

موسسه گفت و گوی ادیان **

I. Confrontation

برخی هندوان، یا پیروان هر دین دیگری، بیش از آن است که میان خود مسیحیان هست. ایرلند شمالی، یا سربر آوردن فالول^{۱۲} در ایالات متحده امریکا، مساءله اخیر در راجیوتان^{۱۳} مؤید همین نکته اند. تفاوتها، و فی الواقع شقاقتها و تفرقه ها، در میان مسیحیان، بی تردید عمده است؛ در عین اینکه الهیدانها گمان می کنند نباید چنین باشد. البته اگر موضع و تلقی فکورانه تر، و فهم درست تری از نحوه ورود خدا در زندگی انسان، داشته باشیم، چه بسا اذعان کنیم که چنین تفاوتهایی، در حیات روحانی انسان یا شاید بتوانیم بگوییم در مشیت الهی^{۱۴} جنبه ذاتی دارد. این راهی است که خداوند تصرفاتش را در این جهان گمراه و فرو افتاده ما از طریق آن انجام می دهد. (آن الهیدانان من حیث المجموع از این تفاوتهای آشکار، و به کلی لاینحل در طول قرون و اعصار، در الهیات و مواضع دیگر سختی نگفته اند.) تفاوتها، چه همزمان^{۱۵} و چه در زمان^{۱۶}، صرفاً چاره ناپذیر نیستند بلکه خوبند؛ تفرقه ها و شقاقتها هستند که وقتی به تخاصم و کشتار بیانجامند بدند. این حقیقت را هم تاریخ درونی خود مسیحیت نشان می دهد و هم تاریخ جهان. وجود تفاوتها در میان بینشهای دینی، چنان که اندیشمندان هندو آنقدر هوش و فراست داشته اند که بر این نکته وقوف یابند، امر نیک و شایسته ای است. آنچه مصیبت بار و ناگوار است تفرقه میان گروههای دینی است، که به تخاصم و نزاع منجر شود همان که مصادیقش را می توانیم در جنگهای صلیبی، جنگهای دینی در اوایل اروپای مدرن، وقایع اخیر خاورمیانه یا پنجاب و سریلانکا ببینیم. و پیوندی وجود دارد میان این آموزه که همه مسیحیان علی الاصول باید موافق و هم عقیده باشند، و آن آموزه قدیمی که با همه غیر مسیحیان باید قتال کرد، سرکوبشان کرد، یا به تغییر دینشان واداشت.

یک بار مقاله ای نوشته ام با عنوان «مسیحی: اسم یا صفت؟»^{۱۷} دریافته بودم که «مسیحی» به عنوان یک اسم، با جمع آن به صورت «مسیحیان» و بعد، اسم معنی «مسیحیت»، در طول تاریخ متحول شده و معنایش مطلق نیست. این مفاهیم فقط تجربی اند [و باید دید بر چه چیز اطلاق می شوند] نه متافیزیکی. می توان گفت وجه اسمی «مسیحیان» مفهومی در ذهن خدا نیست. از سوی دیگر، «مسیحی» بسان صفت، دو معنای کاملاً متباین دارد: یکی تجربی^{۱۸} و دیگری فراتجربی^{۱۹}، و به همین معنای اخیر است که تعبیر «مسیح گونه»^{۲۰} در عهد جدید و دوران آبابی کلیسا به کار رفته است. اما باید توجه